

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشکده علوم انسانی
گروه آموزشی حقوق

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

حقوق کیفری و جرم‌شناسی

رویکرد جنسیت‌محور به گفتمان تقنینی و قضایی نهادهای

حقوق کیفری عمومی ایران

نگارنده

سیده سپیده میرمجیدی هاشجین

استاد راهنما:

دکتر محمد جعفر حبیب‌زاده

پاییز ۱۳۹۰



دانشکده علوم انسانی
گروه آموزشی حقوق

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

حقوق کیفری و جرم‌شناسی

رویکرد جنسیت‌محور به گفتمان تقنینی و قضایی نهادهای

حقوق کیفری عمومی ایران

نگارنده

سیده سپیده میرمجیدی هَشَجین

استاد راهنما:

دکتر محمد جعفر حبیب‌زاده

استاد مشاور:

دکتر محمد فرجیها

پاییز ۱۳۹۰



باسمه تعالی

تاییدیه اعضای هیات داوران حاضر در جلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد

تحت عنوان:

اعضای هیئت داوران نسخه نهایی پایان خانم / آقای

را از نظر فرم و محتوی بررسی نموده و

پذیرش آنرا برای تکمیل درجه کارشناسی ارشد تائید می کنند.

امضاء	رتبه علمی	نام و نام خانوادگی	اعضای هیات داوران
			۱- استاد راهنما
			۲- استاد مشاور
			۳- استاد ناظر (داخلی)
			۴- استاد ناظر (خارجی)
			۵- نماینده شورای تحصیلات تکمیلی

آیین نامه حق مالکیت مادی و معنوی در مورد نتایج پژوهشهای علمی دانشگاه

تربیت مدرس

مقدمه: با عنایت به سیاست‌های پژوهشی و فناوری دانشگاه در راستای تحقق عدالت و کرامت انسانها که لازمه شکوفایی علمی و فنی است و رعایت حقوق مادی و معنوی دانشگاه و پژوهشگران، لازم است اعضای هیأت علمی، دانشجویان، دانش‌آموختگان و دیگر همکاران طرح، در مورد نتایج پژوهشهای علمی که تحت عناوین پایان‌نامه، رساله و طرحهای تحقیقاتی با هماهنگی دانشگاه انجام شده است، موارد زیر را رعایت نمایند:

ماده ۱- حق نشر و تکثیر پایان‌نامه/ رساله و درآمدهای حاصل از آنها متعلق به دانشگاه می باشد ولی حقوق معنوی پدید آورندگان محفوظ خواهد بود.

ماده ۲- انتشار مقاله یا مقالات مستخرج از پایان‌نامه/ رساله به صورت چاپ در نشریات علمی و یا ارائه در مجامع علمی باید به نام دانشگاه بوده و با تایید استاد راهنمای اصلی، یکی از اساتید راهنما، مشاور و یا دانشجو مسئول مکاتبات مقاله باشد. ولی مسئولیت علمی مقاله مستخرج از پایان‌نامه و رساله به عهده اساتید راهنما و دانشجو می باشد.

تبصره: در مقالاتی که پس از دانش‌آموختگی بصورت ترکیبی از اطلاعات جدید و نتایج حاصل از پایان‌نامه/ رساله نیز منتشر می‌شود نیز باید نام دانشگاه درج شود.

ماده ۳- انتشار کتاب، نرم افزار و یا آثار ویژه (اثری هنری مانند فیلم، عکس، نقاشی و نمایشنامه) حاصل از نتایج پایان‌نامه/ رساله و تمامی طرحهای تحقیقاتی کلیه واحدهای دانشگاه اعم از دانشکده ها، مراکز تحقیقاتی، پژوهشکده ها، پارک علم و فناوری و دیگر واحدها باید با مجوز کتبی صادره از معاونت پژوهشی دانشگاه و براساس آئین نامه های مصوب انجام شود.

ماده ۴- ثبت اختراع و تدوین دانش فنی و یا ارائه یافته ها در جشنواره‌های ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی که حاصل نتایج مستخرج از پایان‌نامه/ رساله و تمامی طرحهای تحقیقاتی دانشگاه می باشد، باید با هماهنگی استاد راهنما یا مجری طرح از طریق معاونت پژوهشی دانشگاه انجام گیرد.

ماده ۵- این آیین‌نامه در ۵ ماده و یک تبصره در تاریخ ۸۷/۴/۱ در شورای پژوهشی و در تاریخ ۸۷/۴/۲۳ در هیأت رئیسه دانشگاه به تایید رسید و در جلسه مورخ ۸۷/۷/۱۵ شورای دانشگاه به تصویب رسیده و از تاریخ تصویب در شورای دانشگاه لازم‌الاجرا است.

آیین نامه چاپ پایان نامه (رساله) های دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس

نظر به اینکه چاپ و انتشار پایان نامه (رساله) های تحصیلی دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس، مبین بخشی از فعالیتهای علمی - پژوهشی دانشگاه است بنابراین به منظور آگاهی و رعایت حقوق دانشگاه، دانش آموختگان این دانشگاه نسبت به رعایت موارد ذیل متعهد می شوند:

ماده ۱: در صورت اقدام به چاپ پایان نامه (رساله) ی خود، مراتب را قبلاً به طور کتبی به «دفتر نشر آثار علمی» دانشگاه اطلاع دهد.

ماده ۲: در صفحه سوم کتاب (پس از برگ شناسنامه) عبارت ذیل را چاپ کند:

«کتاب حاضر، حاصل پایان نامه کارشناسی ارشد/ رساله دکتری نگارنده در رشته

است که در سال در دانشکده

دانشگاه تربیت مدرس به راهنمایی سرکار خانم/جناب آقای دکتر ، مشاوره

سرکار خانم/جناب آقای دکتر و مشاوره سرکار خانم/جناب آقای دکتر

از آن دفاع شده است.»

ماده ۳: به منظور جبران بخشی از هزینه های انتشارات دانشگاه، تعداد یک درصد شمارگان کتاب (در هر نوبت چاپ) را به «دفتر نشر آثار علمی» دانشگاه اهدا کند. دانشگاه می تواند مازاد نیاز خود را به نفع مرکز نشر در معرض فروش قرار دهد.

ماده ۴: در صورت عدم رعایت ماده ۳، ۵۰٪ بهای شمارگان چاپ شده را به عنوان خسارت به دانشگاه تربیت مدرس، تأدیه کند.

ماده ۵: دانشجو تعهد و قبول می کند در صورت خودداری از پرداخت بهای خسارت، دانشگاه می تواند خسارت مذکور را از طریق مراجع قضایی مطالبه و وصول کند؛ به علاوه به دانشگاه حق می دهد به منظور استیفای حقوق خود، از طریق دادگاه، معادل وجه مذکور در ماده ۴ را از محل توقیف کتابهای عرضه شده نگارنده برای فروش، تامین نماید.

ماده ۶: اینجانب دانشجوی رشته مقطع

تعهد فوق و ضمانت اجرایی آن را قبول کرده، به آن ملتزم می شوم.

نام و نام خانوادگی:

تاریخ و امضا

تقدیم به خداوند

به پاس آفرینش‌های سپید و سیاه

تقدیر و تشکر

صمیمانه‌ترین قدردانی‌ها و سپاسگزاری‌ها را به محضر استاد دانشمند و ارجمندم جناب آقای دکتر محمد جعفر حبیب‌زاده تقدیم می‌کنم که در طول این دوره تحصیلی، از ایشان درس‌ها آموختم. استادی که راهنمایی‌ها و اخلاق عالی‌ه انسانی‌اشان، تشخیص درست از نادرست را در طول این مسیر بر من آسان‌تر نمود.

کمال سپاس خود را از زحمات بی‌منت استاد مشاور، جناب آقای دکتر محمد فرجیها دارم که روحیه علمی و حریت فکری و ایده‌های بدیع‌اشان، باب جدیدی از جرم‌شناسی به رویم گشود.

از زحمات جناب آقای دکتر مهرداد رایجیان اصلی و جناب آقای دکتر علی بابایی که زحمت ارزیابی این نوشتار را متقبل شدند، سپاسگزارم.

چکیده

امروزه بیشتر نظام‌های عدالت کیفری با کمک گرفتن از مفهوم روان‌شناسانه سندرم زنان کتک‌خورده و با در نظر گرفتن ابتلای برخی از این زنان به نوعی اختلال اضطرابی موسوم به اختلال فشار روانی پس-آسیبی و ارتباط میان اختلال مزبور با رفتارهای مجرمانه با اتخاذ رویکردی جنسیت‌محور، در تلاشند تا چرایی و چگونگی پاسخ دسته‌ای از زنان کتک‌خورده را از طریق بازتعریف مؤلفه‌های دفاع مشروع، مسئولیت کاهش‌یافته و یا از دست دادن کنترل، تبیین نمایند. برای پی‌بردن به این که چگونه سندرم زنان کتک‌خورده به منزله یکی از زیر شاخه‌های اختلال فشار روانی پس‌آسیبی، قادر است رفتارهای مجرمانه زنان کتک‌خورده را توجیه کند، توجه به ارتباط میان این اختلال اضطرابی با رفتارهای مجرمانه، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است؛ زیرا اساس آنچه باز تعریف مؤلفه‌های نهادهایی مانند دفاع مشروع، توجیه عمل ارتكابی بر اساس مسئولیت کاهش‌یافته و از دست دادن کنترل، بر آن استوار است، در گرو درک صحیح ارتباط میان اختلال فشار روانی پس‌آسیبی با رفتارهای مجرمانه از یک طرف، و نشانگان مشترک میان اختلال فشار روانی پس‌آسیبی و سندرم زنان کتک‌خورده، از طرف دیگر می‌باشد. از این رو در نوشتار حاضر، به تفصیل، به تحلیل هر یک از موارد مزبور پرداخته شده است. از دیگر حوزه‌هایی که اتخاذ یک رویکرد جنسیت‌محور در آن ضروری به نظر می‌رسد و رضایت بزه‌دیده در آن نقش بسیار مهمی ایفاء می‌کند، رابطه جنسی میان افراد و هم‌چنین اسقاط جنین است. در این فصل به بررسی این موضوع پرداخته می‌شود که در احراز رضایت جنسی از سوی زنان و به رسمیت شناختن موقعیت‌هایی که می‌تواند به منزله اجبار جنسی، در رضایت و تمکین آن‌ها به داشتن رابطه جنسی، تأثیرگذار باشد، و نیز رضایت به اسقاط جنین، دغدغه‌های جنسیتی چه بازتابی داشته است. از مقایسه دست‌آوردهای حقوق تطبیقی با نظام عدالت کیفری ایران در کلیه موارد مطرح شده و بر اساس مطالعات میدانی انجام شده، این نتیجه حاصل می‌شود که به دلیل نارسایی‌های شکلی و ماهوی قوانین کیفری ایران از یک سو و به دلیل فرهنگ مردانه حاکم بر ارکان نظام عدالت کیفری

ایران از سوی دیگر، دغدغه‌ها و ملاحظات زنان بازتابی در قوانین کیفری ایران نداشته است و ادبیات حقوقی ما در حمایت کیفری مناسب از زنان، متناسب با تحولات سایر نظام‌های عدالت کیفری، ارزیابی نمی‌شود.

کلید واژگان: سندرم زنان کتک‌خورده، اختلال فشار روانی پس‌آسیبی، دفاع مشروع، مسئولیت کاهش‌یافته، از دست دادن کنترل، تجاوز جنسی، رضایت جنسی، اجبار جنسی، اسقاط جنین

عنوان	فهرست مطالب	صفحه
مقدمه.....		۱
بیان مسئله.....		۱
پیشینه تحقیق.....		۴
اهداف.....		۵
پرسش‌های تحقیق.....		۶
فرضیه‌های تحقیق.....		۶
روش تحقیق.....		۶
محدودیت‌های تحقیق.....		۷
سازمان‌دهی تحقیق.....		۸
تعریف مفاهیم کلیدی تحقیق.....		۹

فصل نخست: دفاع مشروع و مسئولیت کیفری در پرتو

سندرم زنان کتک‌خورده.....	۱۱
۱-۱. آسیب‌های روانی زنان و تأثیر آن بر مسئولیت کیفری.....	۱۵
۱-۱-۱. مفهوم شناسی.....	۱۵
۱-۱-۱-۱. سندرم زنان کتک‌خورده.....	۱۵
۱-۱-۱-۲. اختلال فشار روانی پس‌آسیبی.....	۱۷
۱-۱-۱-۳. چرخه خشونت.....	۲۱
۱-۱-۱-۴. درماندگی آموخته شده.....	۲۲

۱-۲-۱. ارتباط میان اختلال فشار روانی پس آسیبی و رفتارهای

- مجرمانه ۲۵
- ۱-۲-۱-۱. حادثه آسیب‌زای خاص ۲۶
- ۱-۲-۲-۱. نشانگان اختلال فشار روانی پس آسیبی ۲۷
- ۱-۳-۱. نشانگان مشترک اختلال فشار روانی پس آسیبی و سندرم زنان
کتک‌خورده ۳۱
- ۲-۱. دفاع مشروع در پرتو سندرم زنان کتک‌خورده ۳۵
- ۱-۲-۱. قریب‌الوقوع بودن خطر و تجاوز ۳۸
- ۱-۲-۱-۱. پذیرش قریب‌الوقوع خطر و تجاوز بر پایه تجربیات مکرر بزه‌دیدگی
زنان کتک‌خورده ۳۸
- ۲-۱-۲-۱. نشانگان اختلال فشار روانی پس آسیبی و عقلانی بودن
احساس خطر ۴۱
- ۱-۲-۳-۱. پذیرفتن امکان خطر و تجاوز بر پایه دفاع روان‌شناختی ۴۳
- ۲-۲-۱. تناسب خطر با تجاوز ۴۷
- ۱-۲-۳-۱. معیار عینی ۴۹
- ۱-۲-۴-۱. نمونه پژوهشی سندرم زنان کتک‌خورده در گفتمان
تقنینی و قضایی ۵۰
- ۱-۳-۳-۱. مسئولیت کیفری ۵۷
- ۱-۳-۱-۱. مسئولیت کاهش یافته ۵۸

- ۱-۳-۱-۱. مفهوم‌شناسی جنون و مسئولیت کاهش یافته..... ۵۸
- ۱-۳-۱-۲. ارزیابی مسئولیت کاهش یافته در پرتو سندرم زنان کتک خورده... ۶۵
- ۱-۳-۱-۲-۱. تأثیر سندرم زنان کتک خورده بر ایجاد نابهنجاری در عملکرد روانی ۶۶
- ۱-۳-۱-۲-۲. حوزه‌های اثر گذاری نابهنجاری در عملکرد روانی در گفتمان تقنینی..... ۶۸
- ۱-۳-۱-۲-۲-۱. مشکلات ادراکی و شناختی و تأثیر آن بر اتخاذ تصمیم درست و منطقی..... ۶۹
- ۱-۳-۱-۲-۲-۲. مشکلات رفتاری و تأثیر آن بر درک ماهیت اعمال..... ۶۹
- ۱-۳-۱-۲-۲-۳. مشکلات زیست‌شناختی و تأثیر آن بر خودکنترلی..... ۶۹
- ۱-۳-۱-۳. نادیده انگاشتن نهاد مسئولیت کاهش یافته در گفتمان تقنینی و قضایی ۷۰
- ۱-۳-۲. از دست دادن کنترل ۷۴
- ۱-۳-۲-۱. سیر تحول مفهومی از دست دادن کنترل ۷۴
- ۱-۳-۲-۲. شرایط تحقق دفاع از دست دادن کنترل ۷۷
- ۱-۳-۲-۲-۱. پذیرفتن تأثیر سایر احساسات تحریک‌آمیز ۷۸
- ۱-۳-۲-۲-۳. ارائه یک تعریف روشن از انسان منطقی و معقول..... ۸۰
- ۱-۳-۲-۳-۲. لغو شرط آنی بودن تحریک‌شدگی ۸۳
- ۱-۳-۲-۴. تأکید بر شرایط و اوضاع و احوال ۸۶

۱-۳-۲-۳. ارزیابی گفتمان تقنینی و قضایی از نظر دفاع از دست دادن

کنترل..... ۸۷

فصل دوم: رضایت و رویکرد جنسیت محور در تجاوز جنسی و

اسقاط جنین..... ۹۵

۱-۲. جایگاه رضایت جنسی در تجاوز جنسی..... ۱۰۰

۱-۱-۲. مفهوم شناسی..... ۱۰۵

۱-۲-۲. معیارهای رضایت به رابطه جنسی..... ۱۱۰

۱-۲-۱-۲. عقلانیت..... ۱۱۰

۱-۲-۱-۲. آگاهی..... ۱۱۲

۱-۲-۱-۲. خودخواستگی..... ۱۱۳

۱-۲-۳. اجبار جنسی: مفهوم شناسی، گونه شناسی و شاخص های

سنجش..... ۱۱۵

۱-۲-۳-۱. مفهوم شناسی اجبار جنسی..... ۱۱۷

۱-۲-۳-۲. گونه شناسی اجبار جنسی..... ۱۱۹

۱-۲-۳-۳. شاخص های سنجش اجبار جنسی..... ۱۲۲

۱-۲-۳-۳-۱. قصد مرتکب..... ۱۲۸

۱-۲-۳-۳-۲. انتخاب ناشی از اجبار..... ۱۲۹

۱-۲-۳-۳-۳. به رسمیت شناختن انواع آسیب..... ۱۳۰

۱-۲-۳-۳-۴. ناحق بودن اجبار..... ۱۳۲

- ۴-۱-۲. تفسیر تقنینی و قضایی از تجاوز جنسی..... ۱۴۱
- ۱-۴-۱-۲. قلمرو جرم‌انگاری تجاوز جنسی در حقوق کیفری تطبیقی ۱۴۱
- ۲-۴-۱-۲. تجاوز جنسی در گفتمان عدالت کیفری ایران ۱۴۹
- ۱-۲-۴-۱-۲. گفتمان تقنینی..... ۱۵۰
- ۱-۱-۲-۴-۱-۲. مشخص نبودن قلمرو جرم تجاوز به عنف و اکراه ۱۵۰
- ۲-۱-۲-۴-۱-۲. نامتناسب بودن پاسخ کیفری..... ۱۵۲
- ۳-۱-۲-۴-۱-۲. محدود بودن ادله اثبات جرم..... ۱۵۴
- ۲-۲-۴-۱-۲. گفتمان قضایی..... ۱۵۵
- ۱-۲-۲-۴-۱-۲. عدم احراز عنف..... ۱۵۵
- ۲-۲-۲-۴-۱-۲. برداشت‌های مردانه از جرایم جنسی..... ۱۶۳
- ۳-۲-۲-۴-۱-۲. رفتار انفعالی قضات در کشف حقیقت..... ۱۶۵
- ۲-۲. اسقاط جنین..... ۱۷۰
- ۱-۲-۲. مفهوم‌شناسی..... ۱۷۱
- ۲-۲-۲. گفتمان تقنینی برخی نظام‌های عدالت کیفری به
- اسقاط جنین..... ۱۷۲
- ۳-۲-۲. گفتمان تقنینی و قضایی ایران به اسقاط جنین..... ۱۷۵
- ۱-۳-۲-۲. اسقاط غیرقانونی جنین..... ۱۷۷
- ۱-۱-۳-۲-۲. ارزیابی رضایت و تمکین زن باردار به اسقاط جنین..... ۱۸۱
- ۲-۱-۳-۲-۲. جواز اسقاط جنین ناشی از تجاوز جنسی..... ۱۸۴

۲-۲-۳-۱-۲-۱. رهیافت اخلاقی به اسقاط جنین ناشی از

تجاوز جنسی ۱۸۵

۲-۲-۳-۱-۲-۱-۱. دفاع از خود ۱۸۵

۲-۲-۳-۱-۲-۱-۲. حق شخص بر تن خود ۱۸۶

۲-۲-۳-۱-۲-۱-۳. اصل عدالت ۱۸۶

۲-۲-۳-۱-۲-۱-۴. مسئولیت جامعه ۱۸۷

۲-۲-۳-۱-۲-۲. رهیافت فقهی به اسقاط جنین ناشی از

تجاوز جنسی ۱۸۷

۲-۲-۳-۲-۲. اسقاط قانونی جنین ۱۹۰

۲-۲-۳-۲-۱. تعیین ملاک‌های عسر و حرج ۱۹۳

۲-۲-۳-۲-۲. رفع تقیید عملی جواز اسقاط جنین به حیات فیزیکی

زن باردار ۱۹۵

۲-۲-۳-۲-۳. جواز اسقاط جنین سالم، پیش از چهار ماهگی ۱۹۶

۲-۲-۳-۲-۴. رضایت آگاهانه به اسقاط جنین ۱۹۷

نتیجه‌گیری و پیشنهادها ۲۰۰

فهرست منابع ۲۱۱

پیوست‌ها

چکیده انگلیسی

مقدمه

بر اثر مبارزه‌های سیاسی، اجتماعی و حقوقی دهه‌های اخیر، زنان موفق شدند تا حضور و مشارکت خود را در فعالیت‌های اجتماعی تا اندازه بسیاری به تصمیم‌گیران و دولتمردان خود بپذیرانند و نابرابری‌های اجتماعی را که از آن رنج می‌بردند تا اندازه بسیاری تعدیل و حتی گاهی محو کنند. ولی حضور اجتماعی فزاینده زنان بی‌تردید می‌تواند موجب گونه‌گون شدن بزه‌کاری و هم‌چنین بزه-دیدگی آنان گردد. در این میان توجه به نهاد خانواده به عنوان بنیادی‌ترین واحد جامعه که در آن توافق عقیدتی و آرمانی که زمینه‌ساز اصلی حرکت تکاملی است؛ شکل می‌گیرد؛ بسیار مهم است؛ زیرا زنان در تشکیل این نهاد و پرورش انسان‌های فعال و آینده‌ساز نقش بسیار مهمی دارند. از این رو، از قانونگذار انتظار می‌رود تا بنا به ملاحظات زیست‌شناختی زنان و موقعیت خانوادگی آنان، مقررات متفاوتی را در حوزه بزه‌کاری و بزه‌دیدگی آنان پیش‌بینی کند. این در حالی است که حقوق کیفری اساساً غیر شخصی است. به گونه‌ای که تعریف هر یک از جرایم و مجازات‌ها چه در رویکرد تقنینی و چه در رویکرد قضایی، بر اساس معیارهای کلی که قابل انطباق بر همگان است، صورت می‌گیرد و اجرای آن‌ها برای همه تابعان حقوق کیفری یکسان است و برخوردهای افتراقی بنا بر اصل برابری افراد در برابر قوانین، ذاتاً مورد قبول قانونگذار نیست. این موضوع در عمل و در فرایند قضایی می‌تواند به چالشی برای زنان و نیز نهادهای عمومی حقوق کیفری که گرانیگاه حمایت از تابعان حقوق کیفری است، تبدیل شود. به همین لحاظ در بیشتر قوانین کیفری کشورهای پیشرفته برای حل این معضل، چاره‌اندیشی کرده‌اند و در تدوین قوانین کیفری خود، به نحوی ملاحظات و دغدغه‌های زنان را نیز مورد توجه قرار داده‌اند.

الف. بیان مسئله

نگاه و رویکرد متفاوت حمایتی یا به تعبیر دیگر « تفاوت‌گذاری مثبت » روشی است که از آغاز دهه ۱۹۷۰ میلادی، بسیاری از جرم‌شناسان طرفدار برخوردار افتراقی با زنان در نظام عدالت کیفری، به دلیل ویژگی‌ها و تفاوت بزه‌کاری زنان در مقایسه با بزه‌کاری مردان و عوامل خاص زیست‌شناختی و اجتماعی، پیش‌زمینه و استعداد قبلی برای بزه‌دیده واقع شدن، به دنبال آن هستند.

امروزه به دلیل این که تدوین، تصویب، تفسیر و اجرای قوانین کیفری تماماً توسط مردان صورت می‌گیرد، در فرایند نظام عدالت کیفری، نگاه‌های مردانه غلبه دارد و کمتر به نوع و ماهیت جرایم زنان و خصایص زنانه این دسته از بزه‌کاران توجه می‌شود.

در حالی که به دلیل آسیب‌پذیری بیشتر زنان نسبت به مردان بر اثر ورود به فرایندهای عدالت کیفری و شرایط و وضعیت آنان در خانواده و اجتماع، این انتظار از قانونگذار می‌رود تا در رویکرد تقنینی، قوانین و مقررات متفاوتی را که حاکی از سیاست افتراقی نسبت به زنان بزه‌کار است؛ به‌ویژه در بخش عمومی حقوق پیش‌بینی نماید. به گونه‌ای که در تهیه و تدوین مواد قانونی مربوط به نهادهای حقوق کیفری، بتوان نشانی از توجه به ملاحظات و دغدغه‌های زنان بزه‌کار را یافت. در مرحله بعدی، رویکرد قضایی و پاسخ نظام قضایی به بزه‌کاری زنان نیز باید به کیفیتی باشد که قضات بتوانند با اجتناب از تفسیرهای مردانه و در پرتو رعایت احترام و حفظ شئون زنان در جریان رسیدگی و با در نظر گرفتن نقش والای زنان در خانواده و صدور ضمانت‌اجراهایی که تا حد امکان ارتباط محکوم علیه زن را با خانواده و جامعه قطع نکند؛ قواعد کلی حقوق کیفری غیر شخصی را تا حد ممکن شخصی، موردی یا فردی نمایند و بدین ترتیب نوعی رفتار متفاوت بر اساس معیار جنسیت و آسیب‌های مبتلا به زنان اجرا کنند. این تفاوت‌گذاری مثبت نسبت به بزه‌کاری زنان در سطح قانونگذاری کیفری برخی از کشورها مرسوم شده است. ولی بر اساس ارزیابی‌های اولیه قانون مجازات اسلامی و به‌ویژه مقررات عمومی حاکم بر آن، می‌توان گفت رویکرد تقنینی و قضایی موجود در نظام عدالت کیفری ایران در خصوص توجه به ضرورت برخورد‌های

افتراقی با مجرمان زن، امکان دسترسی به هدف مذکور را فراهم نمی‌کند. به عنوان مثال به موجب ماده ۵۴ ق.م.ا: «در جرائم موضوع مجازات‌های تعزیری یا بازدارنده هرگاه کسی بر اثر اجبار یا اکراه که عادتاً قابل تحمل نباشد، مرتکب جرمی گردد مجازات نخواهد شد...». بررسی این موضوع که قابل تحمل بودن یا نبودن اجبار یا اکراه بر اساس معیارهای نوعی یا شخصی چگونه در مورد زنان قابل تحقق است، در این پژوهش بررسی خواهد شد؛ زیرا در عمل ممکن است از نظر قاضی دادگاه که روحیه مردانه در او حاکم است، اجبار یا اکراه کاملاً قابل تحمل باشد. در حالی که ارزیابی قابل تحمل بودن اجبار نسبت به زنان، مستلزم توجه به احساسات، روحيات، توانایی‌های جسمی و اجتماعی این قشر است که درک آن از قاضی مرد قابل تصور نیست. هر چند در این مورد شناخت و درک قاضی بسیار مهم‌تر از جنسیت او است.

با این حال، مفهوم کلی قانونی «عادتاً قابل تحمل باشد»، متضمن معیارهای مردانه است. حال آن که ممکن است از نظر یک زن به این کیفیت نباشد. همین بحث در باب اضطرار در ماده ۵۵ ق.م.ا و همچنین در باب تخفیف یا تشدید مجازات نیز قابل طرح است.

همین‌طور می‌توان به ماده ۶۲ در خصوص دفاع مشروع اشاره کرد که در آن یکی از شرایط تحقق دفاع مشروع این است که خطر و تجاوز، قریب‌الوقوع و فعلیت‌یافته باشد و دیگر این که دفاع با تجاوز و خطر متناسب باشد. در این مورد همان بحث قبلی مطرح می‌شود که چه کسی و با چه معیاری به ارزیابی تحقق خطر و تجاوز قریب‌الوقوع و فعلیت‌یافته و احراز تناسب می‌پردازد؟ معیار عینی برای ارزیابی عقلانی بودن اقدام شخص، تا چه اندازه از الگویی تجربی و نه هنجاری و اصولی تبعیت می‌کند؟ چه ویژگی‌ها و خصیصه‌هایی می‌تواند در بررسی معیار ذهنی، مورد توجه قاضی رسیدگی کننده قرار گیرد؟ آیا قاضی رسیدگی کننده می‌تواند خود را کاملاً از تفسیرهای مردانه دور نگه دارد؟